

اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح و آثار آن در حقوق

افغانستان



نگارنده: حکمت‌الله کریمی^۱

چکیده

اشتباه براساس ماده ۵۶۲ قانون مدنی که از عیوب اراده در عقود محسوب می‌گردد، در عقد نکاح نیز از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است. اشتباه در عقد نکاح، برداشت خلاف از واقعیت است که یکی از طرفین عقد نسب به هویت جسمی، مدنی یا در اوصاف، طرف دیگر دارد؛ بنابراین، بررسی اشتباه در عقد نکاح و آثار آن امر ضروری تلقی می‌شود. در مقاله حاضر، تلاش شده است با استفاده از روش کتاب‌خانه‌یی، با رویکرد اسنادی و به شیوه کیفی، توصیفی - تحلیلی اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح و آثار آن در نظام حقوقی افغانستان مورد مطالعه قرار گیرد؛ لذا به این پرسش پاسخ داده که آیا برداشت خلاف از واقعیت، در صحت عقد نکاح لطمه‌ی وارد می‌کند یا خیر و چه آثاری به بار می‌آورد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که: اشتباه در عقد نکاح و آثار آن به‌گونه‌های ذیل است: اشتباه در هویت جسمی و مدنی که اساس و بنیاد عقد نکاح را تشکیل می‌دهد، ماهیت و محوریت عقد را مختل می‌کند و موجب بطلان عقد نکاح می‌گردد. اشتباه در اوصاف اساسی که ناشی از خود اشتباه‌کننده یا به‌صورت تدلیس باشد، برپادارنده بخش مهمی از نکاح است، برای اشتباه‌کننده حق فسخ ایجاد می‌کند. اشتباه در جهت و انگیزه، تأثیری بر صحت عقد نکاح ندارد.

واژه‌گان کلیدی: نکاح، زوجین، اشتباه، شخصیت طرفین عقد، اشتباه در

اوصاف.



Mistake in the Character of the Parties in Marriage Contract and its Impact on Afghan law



Author: Hekmatullah karimi*

Abstract

Mistake based on Article 562 of the Civil Code, that is considered as a defect of will in contracts, is also of special importance in marriage. Mistake in a marriage contract is a wrong perception of the fact that one of the parties to the contract is related to the physical, civil, or character identity of the other party; Therefore, it is considered necessary to investigate the mistake in the marriage contract and its impacts. In the present research, an attempt has been made to study, using the library method, document productivity and in a qualitative, descriptive and analytical way, the mistake in the character of the parties to the marriage contract and its effects in the legal system of Afghanistan; Therefore, the answer of the question is, whether the wrong perception of reality harms the validity of the marriage or not and what impacts does it have? The findings of the research show that the mistake in the marriage and its effects are as following: the mistake in the physical and civil identity, which forms the basis and foundation of the marriage, disrupts the nature and centrality of the marriage and causes the marriage contract is nullity. A mistake in the basic attributes, which is caused by the mistaker himself or in the form of manipulation, constitutes an important part of the marriage, and creates the right of termination for the mistaker. A mistake in the direction and motivation does not affect the validity of the marriage contract.

Keywords: Marriage, Spouses, Mistakes, Character of the Parties in Marriage, Mistakes in Attributes.

* Master's degree in private law, Al-Mustafa community, Gorgan branch, Iran. (hekmatullahkarimi328@gamil.com)



۱. مقدمه

ازدواج یکی از بنیادی‌ترین وقایع زنده‌گی انسان و مهم‌ترین نهاد حقوقی جامعه بشری است، که نخستین گام در زمینه تشکیل خانواده پنداشته می‌شود. ازدواج رابطه حقوقی است که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یک‌دیگر ببرند، که متناسب با سرشت انسانی و پاسخ‌گو به نیازهای عاطفی، جنسی و جسمی انسان می‌باشد.

از آنجایی که نکاح عقد است، باید شروط اساسی صحت معامله را با تفاوت‌های جزئی داشته باشد. در شروط صحت معامله، اشتباه یکی از عیوب قصد و رضا شناخته شده، که قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ قانون مدنی این مورد را تبیین نموده است. اشتباه به صورت کلی تصور نادرست و خلاف از واقعیت می‌باشد. اشتباه در شخصیت طرف عقد نکاح، یعنی تصور غلط و نادرستی یکی از طرفین عقد نکاح نسبت به هویت جسمی، مدنی یا اوصاف طرف دیگری عقد نکاح است. اثر اشتباه در شخصیت طرف عقد نکاح همیشه یک‌سان نیست. احکام قانونی در زمینه اثر اشتباه، مبهم است و به نظر می‌رسد که قانون‌گذار در مورد اشتباه در نکاح به یک وحدت و اقناع کامل نرسیده است. از آنجا که عقد نکاح مهم و اساسی است، مواردی مطرح می‌شود که اشتباه در شخصیت طرف عقد نکاح چه گونه است؟ آیا اشتباه در تمام ابعاد شخصیت طرف عقد، موجب بطلان است یا خیر؟ اشتباه در شخصیت چه زمانی موجب بطلان و در چه زمینه‌های موجب فسخ است؟ اشتباه در کدام موارد تأثیری بر صحت عقد نکاح ندارد؟ آیا هر اشتباه در مورد شخصیت، بنیاد نکاح را متزلزل می‌سازد یا اشتباه در زمینه‌های مهم و اساسی در برهم‌زدن آن نقش دارد؟ باتوجه به موارد فوق و نقش ازدواج در تشکیل خانواده و رهایی افراد از اشتباهات در شخصیت طرف عقد نکاح، بررسی موضوع فوق در نظام حقوقی افغانستان امری ضروری تلقی می‌گردد.

اهمیت این بررسی از آن جهت است که یافته‌های حاصل از این پژوهش می‌تواند به غنای ادبیات حاکم بر موضوع بیفزاید و به نظام قضایی در تشخیص اشتباهات و آگاهی افراد در زمینه شناخت شخصیت طرف عقد، انتخاب آن و ایجاد خانواده کمک نماید. بی‌توجهی به این موضوع که سرمنشأ حیات ازدواج، تشکیل خانواده و اجتماع است، می‌تواند بی‌ثباتی، هرج‌ومرج در نظام خانواده‌گی و فروپاشی آن را به دنبال داشته باشد.

در مورد اشتباه در عقد نکاح، پژوهش متمرکز و مفصل صورت نگرفته است؛ البته حفیظ‌الله دانش در کتاب «حقوق و جایب» به‌طور کلی اشتباه در عقد، انواع و مؤثر بودن و نبودن اشتباه را به‌صورت اجمالی بررسی نموده است (دانش، ۱۴۰۰: ۴۲-۴۶). همچنین بشیر احمد خالق‌یار در «قواعد عمومی، عقود و قراردادهای» مفهوم اشتباه، اشتباهاتی که منجر به بطلان و فسخ عقد می‌گردد را بیان نموده است (خالق‌یار، ۱۳۹۱: ۱۷۷-۱۷۹). بررسی اشتباه در کتاب‌های فوق که مربوط به قواعد عمومی

قراردادها است به طور کلی در عقود ارزنده است؛ اما در تبیین و بررسی اشتباه در عقد نکاح و تشخیص معیارهای اشتباه مؤثر و غیر مؤثر کافی نیست؛ لذا، پژوهش حاضر در زمینه پُر نمودن خلأها و تبیین اشتباه در شخصیت طرف عقد نکاح به رشته تحریر درآمده است.

هدف از این پژوهش این است، که عقد نکاح به طور مفصل و با تمام جزئیات تبیین و موارد مختل کننده آن به معرفی گرفته شود، تا این که مردم از موارد مُخرَب آن، که مُنجر به اشتباه می گردد آگاهی حاصل نموده و مانع بروز اشتباه در عقد نکاح گردد. از این طریق به خانواده و جامعه سالم دست یابیم که به دور از هرگونه اشتباه و اختلاف باشد.

پرسش هایی در پژوهش حاضر مطرح می شود این است که: اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح در نظام حقوقی افغانستان چیست؟ کدام اشتباهات مؤثر در عقد است و بر صحت آن لطمه وارد می کند؟ اشتباهاتی که در عقد نکاح تأثیر ندارد کدامند؟ نگارنده تلاش می نماید پاسخ سؤالات فوق را در پرتو نظام حقوقی افغانستان تبیین نماید.

روش نوشتاری این پژوهش کتابخانه‌یی با رویکرد توصیفی و تحلیلی است، که در وهله نخست با مراجعه به کتابها و پایان نامه‌ها، مقالات و سایت‌های معتبر موارد لازم را فیش برداری نموده و در مرحله بعدی به تجزیه و تحلیل و نگارش آن پرداختیم.

۲. تبیین مفاهیم

۲-۱. مفهوم عقد نکاح

نکاح از ریشه نَكَح، ینکح گرفته شده است، که در لغت به معنای یک جاشدن زن و مرد، جماع، ازدواج (ابن منظور، ۱۳۸۲: ۲۷۱) است. یک جاشدن دو درخت باهم، ازدواج زن با مرد (معلوف، ۱۳۹۳: ۸۳۶). زن و مرد هم سردار، جمع شدن شیء با شیء دیگر (حموی، ۲۰۰۰: ۴۵۰). نزدیکی و ازدواج است (سیاح، ۱۳۸۲: ۳۰۹۷). بعضی موقع نکاح معنای اقتران و نزدیک شدن دو چیز را افاده می کند (الجزیری، ۱۹۶۹: ۱). معنای دیگری که برای واژه نکاح ذکر می شود، تقابل است. در زبان عرب، هرگاه دو کوه در مقابل یکدیگر قرار گرفته باشند گفته می شود: تَنَاحَ الْجَبَلَان؛ یعنی دو کوه در مقابل هم قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۲۶). مشهور است که نکاح در لغت به معنای وطی، نزدیکی و شرعاً به معنای عقد است (روشن، ۱۳۹۳: ۲۶). در اصطلاح، نکاح عقدی است الزامی بین یک مرد و یک زن به قصد معاشرت و به عنوان زوجیت که باید به ایجاب و قبول لفظی باشد با موالات بین ایجاب و قبول و اهلیت مجری صیغه نکاح و بدون تعلیق است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۷۲۴). در فقه تعاریف فراوان در زمینه عقد نکاح ارائه شده است، برخی بر این باوراند، که نکاح عبارت از عقدی است که افاده ملک متعه می کند (کاسانی، ۲۰۰۳: ۳۰۹) یا عقدی است که متضمن

اباحت استمتاع جنسی از زن به صورت مباشر مشروط بر این که زن محرم نسبی، رضاعی و سببی نباشد (زحیلی، ۱۹۸۵م: ۶۵۱۳). یا عقدی است به طور قصد که مفید ملک متعه است؛ یعنی فایده گرفتن مرد از زن به شرطی که نکاح وی مانع شرعی نداشته باشد (فقیری هروی، ۱۳۹۴: ۵). یا عقدی است که مشروعیت استمتاع و بهره گیری زوجین از هم مباح می باشد، حقوق و تکلیف برای آن ها ایجاد می نماید (خلاف، ۱۳۷۵: ۱۵). هم چنین به معنایی نزدیک شدن زوجین به هم و هم سر و هم راه نیز آمده است؛ چنان که خداوند می فرماید: «احشُرُوا الَّذِیْنَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ» (الصافات، ۲۲). نکاح عقد خاصی است که علّت وطی قرار می گیرد (المرغینانی، ۵۹۳: ۱۸۵). یا عقدی است که شارع آن را جهت مباح ساختن و مشروع گردانیدن استمتاع هر کدام از زوجین از یک دیگر وضع کرده است (عدالت خواه، ۱۳۸۷: ۴۹). حقوق دانان نیز تعاریف متعددی برای نکاح ارائه نموده اند: نکاح قراردادی است که به موجب آن زن و مرد در زنده گی با یک دیگر شریک و متحد شده، خانواده یی تشکیل می دهند (عبدالله، ۱۳۹۷: ۳۶). یا رابطه حقوقی است که لازمه آن، کامجویی بین زن و مرد و هم خوابه گی آن دو می باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۵). نکاح در ماده ۶۰ قانون مدنی نیز این گونه تبیین گردیده است: «ازدواج، عقدی است که معاشرت زن و مرد را به مقصد تشکیل فامیل مشروع گردانیده حقوق و واجبات طرفین را به وجود می آورد»؛ بنابراین، نکاح توافقی است میان مرد و زن که به موجب آن وضعیت ویژه یی بین مرد و زن ایجاد و رابطه زناشویی برقرار می گردد. این وضعیت ویژه و رابطه زناشویی در کلیه نظام های قانونی و عرفی شناخته شده است؛ اگر چه آثار و تبعات آن ممکن است متفاوت باشد.

۲-۲. مفهوم اشتباه در نکاح

اشتباه از ماده شبه گرفته شده، که در لغت به معنای مثل و مانند و مصدر آن اشتباه می باشد. هم مانند شدن شیء با شیء دیگر یا کاری را به غلط انجام دادن، پوشیده شدن کار یا امری (عمید، ۱۳۸۰: ۱۸۶)، اشتباه داشتن، اشتباه کردن، کاری خطا انجام دادن (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۶۰۱)، سهو و خطا که جمع آن اشتباهات است (معین، ۱۳۷۱: ۲۸۷). در اصطلاح اشتباه عبارت از تصوّر خلاف واقع از چیزی و انعکاس آن در تصدیقات است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۹: ۹۰). در حقوق اشتباه یا خطا که در قانون مدنی ما به نام غلطی یاد گردیده، عبارت از تصور نادرست و غلطی است که انسان از واقعیت می داشته باشد (دانش، ۱۴۰۰: ۴۲). به تصویری که شخص از روی پندار خویش بر خلاف واقع از موضوع به دست می آورد، اشتباه می گویند؛ بنابراین برای تحقق اشتباه موارد ذیل باید وجود داشته باشد: شخص حتماً باید تصویری داشته باشد، این تصور باید برخلاف واقع باشد و تصور خلاف واقع نسبت به موضوع و یا حکمی باشد (بشله و دیگران، ۱۳۹۲: ۳۲). اشتباه حالتی است که در نفس آدمی

پیدا می‌شود و انسان را به توهم خلاف واقع می‌کشاند؛ خلاف واقع نیز یا واقعه نادرستی است که انسان آن را درست می‌پندارد و یا واقعه درستی است، که انسان آن را نادرست می‌پندارد (عبدالله، ۱۳۹۵: ۱۰۳). در صورتی از اشتباه سخن گفته می‌شود که موضوع آن یکی از اعمال حقوقی و به‌ویژه قرارداد باشد؛ بنابر اصل حاکمیت اراده، عمل حقوقی در صورتی اعتبار دارد، که با قصد واقعی دوطرف منطبق باشد؛ یعنی آن چه واقع شده با مقصود یکی باشد (ماوقع لم يقصد و ما قصد لم يقغ) (کاتوزیان، ۱۴۰۰: ۹۳). در مورد نکاح، اشتباه تصویری نادرستی است که یکی از زوجین در هویت جسمی یا در اوصاف طرف دیگر دارد. این اشتباهات بر حسب اهمیت و اندازه تأثیری آن‌ها در اراده دارای احکام متفاوتی است (صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۵۹). در ماده ۵۶۰ قانون مدنی مراحل تأثیر آن تبیین گردیده است، که در زمینه تأثیر اشتباه دوتا شرط وجود دارد. نخست در صورتی اشتباه یا خطا به صحت عقد نکاح لطمه وارد می‌کند که ثابت شود، اگر اشتباه‌کننده از حقیقت آگاهی می‌داشت از عقد نکاح خودداری می‌نمود. دوم، اشتباه باید به تراضی دو طرف یا حکم قانون، در قلمرو قصد مشترک قرار گیرد. صرفاً انگیزه درونی که جنبه خصوصی دارد و اظهار نگردیده و در قلمرو قصد مشترک قرار نگرفته است، تأثیر در عقد نکاح ندارد؛ بنابراین، اشتباه در نکاح تصور خلاف واقعیت است که یکی از طرفین عقد نکاح نسبت به هویت جسمی یا اوصاف دیگری دارد.

۲-۳. اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح

اشتباه در شخصیت عبارت از اشتباهاتی است، که راجع به هویت جسمی، مدنی و اوصاف طرف قرارداد به‌وجود می‌آید. منظور از شخص، انسان مشخص و معین است و مقصود از شخصیت در معنای مطلق، مجموعه اوصاف و عوارضی است که یک فرد انسانی را از افراد دیگر متمایز می‌سازد. واژه شخصیت گاهی به برخی از اوصاف شخص نیز اطلاق می‌شود؛ چنان که گفته می‌شود، شخصیت علمی بوعلی‌سینا شهرت جهان‌گیر دارد. یا شخصیت اخلاقی فلان شخص، افراد را مجذوب می‌سازد (شهیدی، ۱۴۰۱: ۱۶۶). در حقوق افغانستان مواد ۵۶۲ و ۵۶۵ قانون مدنی اشتباه در شخص طرف قرارداد را تبیین کرده است. قانون‌گذار در ماده ۵۶۲ بیان نموده است که «هرگاه در موضوع عقد غلطی صورت گرفته و معقودعلیه مسمی و مشارألیه باشد، احکام آتی رعایت می‌گردد: الف. در صورت اختلاف جنس، عقد به مسمی تعلق گرفته و نسبت عدم وجود مسمی عقد باطل شناخته می‌شود». در ماده ۵۶۵ قانون‌گذار بیان نموده است. «هرگاه غلطی در شخص یا در وصفی از اوصاف عقدکننده واقع شده باشد به‌نحوی که شخصیت یا وصف عقدکننده سبب عمده انعقاد بوده باشد، چنین غلطی اساسی پنداشته می‌شود». علاوه از قراردادهای غیر معوض، عقد نکاح نیز از جمله عقود است که به‌خاطر شخصیت طرف آن بسته می‌شود و به‌همین جهت اشتباه شخص طرف در عقد نکاح مؤثر واقع

می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۲)؛ بنابراین، برای واضح شدن موضوع اشتباه در هویت جسمی و مدنی و اشتباه در اوصاف را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۳-۱. اشتباه در هویت جسمی

اشتباه در هویت جسمی، یعنی شخصی غیر از شخص اصلی و مورد نظر، طرف عقد قرار گیرد. این اشتباه زمانی است که یک شخص به گونه اشتباهی قرارداد را به جای یک شخص با شخص دیگری منعقد می‌کند. مثلاً شخصی به دیگری قرض می‌دهد، به تصور این که قرض گیرنده فلان تاجر معروف است؛ درحالی که شخصی دیگری است، که با تاجر مورد نظر شباهت ظاهری دارد؛ در این مورد اشتباه به هویت جسمی رُخ داده است (دانش، ۱۴۰۰: ۴۴). هویت جسمی مجموعه اوصاف فیزیکی است، که شخص را از دیگران متمایز می‌سازد. در زمینه نکاح مثلاً مردی می‌خواهد با زنی که قبلاً دیده است ازدواج کند، ولی عقد ازدواج را با زنی دیگری می‌بندد، به تصور این که طرف همان زنی است که قبلاً دیده است. در جامعه ما در عمل گاهی اتفاق می‌افتد، که زنی را به مردی نشان می‌دهند که مورد پسند او واقع می‌شود؛ ولی ازدواج با نام خواهر یا یکی از خویشان آن زن بسته می‌شود یا برعکس پسری را به دختر نشان می‌دهند، که دختر راضی به نکاح می‌گردد؛ ولی عقد نکاح با شخص دیگری بسته می‌شود. این نکاح از لحاظ این که آن چه در خارج واقع شده منطبق با اراده حقیقی طرف قرارداد نیست، وانگهی این اشتباه در حقیقت توافق اراده را که اساس عقد است از میان می‌برد. اشتباه در هویت جسمی رُخ می‌دهد. این موارد مستنبط از ماده ۵۶۲ قانونی مدنی است که در بند اول این ماده اشتباه در موضوع عقد موجب بطلان اعلام گردیده است؛ اما اشتباه در شخص طرف معامله لزوماً تأثیرگذار نیست و اصل بر عدم تأثیر اشتباه در شخصیت است، مگر این که شخصیت علت عمده عقد باشد. نکاح رابطه‌یی است غیر مالی و شخصیت زن و شوهر رکن اصلی عقد است. نکاح میان انسان‌ها است و به همین دلیل باید شخص زن و مرد در عقد معین باشد. هر یک از زوجین باید به درستی بدانند با چه کسی عقد می‌بندند تا نکاح را با توجه به شخصیت او اراده کند (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۲). در مورد معیار سنجش علت عمده عقد بنا به نوع و شرایط قرارداد ضوابطی تعیین شده است؛ مثلاً در عقود رایگان مهارت یا حسن سلوک طرف در اجرای تعهد اهمیت دارد، شخصیت طرف علت عمده عقد دانسته شده است و در عقد نکاح، که عوضین معامله در آن به معنای خاص وجود ندارد؛ بنابراین شخصیت طرفین در عقد نکاح علت عمده عقد محسوب می‌گردد.

۲-۳-۲. اشتباه در هویت مدنی

منظور از هویت مدنی، وضع مدنی یک شخص در خانواده و جامعه و مجموع روابط اجتماعی است، که شخص را به دیگران مربوط می‌سازد. برخی اشتباه در هویت مدنی را اشتباه در اتحاد حقوقی، یعنی اشتباه در شخص مقصود با شخص موجود در عالم واقع تعبیر می‌کنند. در این صورت، از نظر مادی کسی طرف عقد واقع شده، که از آغاز مورد نظر بوده است؛ ولی بعداً مشخص می‌گردد که طرف عقد او را به جای دیگری گرفته و در هویت و نام او در اشتباه بوده است (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۲)؛ مثلاً فردی تذکره یا پاسپورت و مدارک مهندسی - معماری را می‌رباید و به اسم او قرارداد ساختمانی منعقد می‌کند، مقطعه‌دهنده در هویت جسمی و مادی مقطعه کار اشتباه نکرده، بل که در هویت مدنی وی مرتکب اشتباه گردیده است. یا شخصی با معرفی و انتساب خود به یک گروه خاص موافقت دختری را برای عقد نکاح تحصیل می‌کنید. دختر مورد نظر گرچه با این مرد مشخص از نظر مادی ازدواج می‌کند؛ اما از نظر مدنی در هویت آن اشتباه کرده است. برخی اشتباه در هویت مدنی را هم‌مانند اشتباه در هویت جسمی دانسته‌اند؛ اما نباید همیشه بر این نظر بود که این دو نوع اشتباه از آثار یکسانی برخوردار است؛ چون آثار اشتباه در هویت مدنی همیشه یکسان نیست، گاهی مؤثر و گاهی غیر مؤثر است و همچنین اشتباه در هویت مدنی نوع اشتباه در اوصاف است، نه در کنار آن (پتکی، ۱۳۹۵: ۲۲)؛ بنابراین، اشتباه در هویت مدنی دو جهت دارد، برخی موقع مؤثر در عقد نکاح است که تأثیر آن شدید یا خفیف است و برخی موقع هم تأثیری در عقد نکاح ندارد و دارای آثار متفاوت نیز می‌باشد.

۲-۳-۳. اشتباه در اوصاف اساسی

اوصاف عمده شخص خارج از دو حالت نیست، یا اصلاً وارد قلمرو قرارداد و توافق اراده طرفین نشده، بدین معنا که نه صریحاً در قرارداد ذکر شده و نه مورد توافق ضمنی طرفین قرار گرفته است، یا وارد قلمرو قرارداد و توافق اراده طرفین شده است. در صورت اول، غیرمؤثر و در صورت دوم مؤثر است (صفایی، ۱۳۴۹: ۱۰۳). اشتباه در اوصاف اساسی شخص، یعنی اوصافی که قید اراده بوده و براساس وجود آن عقد واقع شده است. درواقع، این‌گونه اشتباه هم نوعی اشتباه در شخص و شخصیت است؛ زیرا شخصیت انسان منحصر به شخصیت جسمی او نیست، بل که شخصیت وصفی او را هم شامل می‌شود و به دیگر سخن، اوصاف اساسی آدمی هم جزئی از شخصیت اوست، که ممکن است علت عمده عقد باشد؛ پس اشتباه در اوصاف اساسی شخص هم به قصد لطمه می‌زند و مصداق تخلف عقد از قصد است (صفایی، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۱۱). اشتباه در اوصاف اساسی را قانون‌گذار در مواد ۵۶۴ و ۵۶۵ قانون مدنی تبیین نموده است؛ چنان‌که در ماده ۵۶۴ فرموده: «هرگاه غلطی به اندازه‌ی فاحش باشد

که عقدکننده در صورت وقوف بر آن از ابرام امتناع می‌ورزید، چنین غلطی، اساسی پنداشته می‌شود؛ هم‌چنین در ماده ۵۶۵ تصریح نموده است، که «هرگاه غلطی در شخص یا در صف از اوصاف عقدکننده واقع شده باشد، به‌نحوی که شخصیت یا وصف عقدکننده سبب عمده انعقاد عقد بوده باشد، چنین غلطی اساسی پنداشته می‌شود». عقد نکاح نیز تحت پوشش این مواد قانونی است، که در این فرض، طرف عقد نکاح از نظر مادی و حقوقی با کسی که مقصود بوده یک‌سان است؛ ولی عقد به گمان وجود صفتی در او بسته شده که در واقع دارا نبوده است (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۳). اشتباه در اوصاف اساسی طرف عقد نکاح، بیش‌تر ناشی از فریب و تدلیس است، که در اغلب مواقع گفتار یا کردار متقابلانه یکی از طرفین عقد یا اطرافیان او اشتباه را به‌وجود می‌آورد. فریب یا تدلیس در ماده ۵۷۰ قانون مدنی چنین تصریح شده است: «فریب عبارت از به‌کاربردن وسایل حيله‌آمیز قولی یا فعلی است، که طرف مقابل عقد را به راضی‌شدن انعقاد عقد بکشاند، به‌نحوی که این وسایل اگر به‌کار برده نمی‌شد، رضایت وی در عقد به میان نمی‌آمد». مثلاً پسر یا دختری برای موافقت ازدواج طرف، برخلاف واقعیت اوصافی را به خود قلم‌داد کند و بدین طریق، طرف را فریب داده و به ازدواج وادار نماید، تدلیس نموده است. اشتباه در وصف اساسی شخص طرف قرارداد هرچند در بیش‌تر مواقع ناشی از تدلیس است، اما ممکن است در خیلی موارد با آن همراه نباشد. می‌توان فرض نمود که بدون وقوع رفتار یا کردار فریب‌کارانه و متقابلانه‌یی از جانب طرف قرارداد یا حتا شخص ثالث اشتباه در وصف اساسی شخص روی داده باشد. مثلاً پسری به اشتباه خود را از نسل شخص بزرگی می‌پندارد و برای ازدواج با دختری خود را بدین وصف معرفی می‌کند و براساس آن دختر عقد نکاح با پسر را می‌پذیرد و بعد از ازدواج معلوم می‌گردد که پسر به آن شخص بزرگ انتسابی نداشته است. در این مورد تدلیس در میان نیست، قصد فریب و عملیات متقابلانه وجود ندارد؛ ولی اشتباه در وصف اساسی شخص محرز است.

۲-۳-۴. اشتباه در اوصاف فرعی

اشتباه در اوصاف فرعی و تبعی طرف عقد نکاح، یعنی اشتباه در وصفی که قید اراده و مبنای توافق طرفین عقد نباشد؛ این در صورتی است که وصف عقدکننده سبب عمده انعقاد عقد نباشد. اشتباه در اوصاف فرعی به دوگونه است، یا در عقد به‌صورت صریح یا ضمنی ذکر شده یا ذکر نشده که در صورت نخست بر عقد لطمه می‌زند و در صورت دوم، تأثیری بر عقد نکاح ندارد. اشتباه در وصف هنگامی به عقد نکاح لطمه وارد می‌کند که وصف منظور صریحاً یا ضمناً وارد قلم‌رو قرارداد نکاح شده باشد. تبانی طرفین بر صفت خاصی که در حکم تصریح در عقد است، زمانی صدق می‌کند که وجود صفت قبل از عقد مورد توافق صریح طرفین واقع شده و هنگام عقد بنای طرفین بر آن بوده و

یا از مذاکرات قبلی و اوضاع و احوال قضیه بر حسب عرف استنباط شود، که آن صفت مورد نظر طرفین بوده و عقد براساس آن واقع شده است؛ مثلاً اگر کسی از دختری که هنوز شوهر نکرده و در مکتب درس می‌خواند خواست‌گاری کند و با او ازدواج نماید، بر حسب عرف و عادت اجتماعی ما، باکره‌بودن او هنگام عقد مورد نظر است؛ هرچند که صریحاً در هنگام عقد شرط نشده باشد. پس اگر بعد از عقد آشکار شود که زن باکره نبوده است، در این صورت لطمه‌یی بر عقد وارد می‌گردد (صفایی و امامی، ۱۳۹۸: ۶۰)؛ بنابراین، اشتباه در وصف شخص در صورتی مؤثر شناخته می‌شود، که وصف یا اوصاف عقد‌کننده سبب عمده عقد تلقی شود (محمدی، ۱۴۰۰: ۹۴). اما اشتباه در اوصاف فرعی مشروط به این‌که وارد قلمرو تراضی طرفین به‌صورت صریح و ضمنی نشده باشد؛ چنین اشتباهی مؤثر در عقد نیست (مرادوند، ۱۴۰۰: ۱۶)؛ مثلاً دختری نزد خود تصور نماید که با پسری که قرار است ازدواج کند یک تاجر معروف یا یک شخص سیاسی و دارای مقام اجتماعی است، بدون این‌که این اوصاف در زمان عقد صریحاً یا ضمناً وارد قلمرو عقد شده باشد، بعداً معلوم گردد که اوصاف فوق در شخص وجود ندارد. همچنین اشتباهاتی که مربوط به یکی از طرفین عقد می‌شود و داخل در قلمرو عقد نکاح نبوده مؤثر در عقد نیست؛ بنابراین، اشتباهات در اوصاف فرعی به دودسته است، که در برخی موارد مؤثر و بعضی اوقات غیرمؤثر است.

۲-۴. آثار اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح

اشتباه در شخصیت طرف نکاح تصور نادرستی است که یکی از طرفین عقد نکاح در هویت جسمی، مدنی یا اوصاف دیگری دارد. تأثیر این اشتباهات در عقد نکاح همیشه یکسان نیست، صورت‌های متفاوت آثار اشتباه در عقد نکاح را در موارد ذیل بررسی می‌نماییم:

۲-۴-۱. آثار اشتباهات موجب بطلان عقد نکاح

در زمینه اشتباهات موجب بطلان سؤالی مطرح می‌شود، که آیا واقعاً عدم تطابق ایجاب‌وقبول می‌تواند مبنای مستقلی برای اشتباه در نکاح باشد؟ خصوصاً آن‌که بدانیم در مواردی که میان ایجاب‌وقبول مطابقت نباشد، قطعاً مبنای (ما وقع لم یقصد لم یقع) هم جاری است. دوم آن‌که چرا عدم مطابقت ایجاب‌وقبول باعث بطلان می‌گردد؟ باید گفت میان عدم مطابقت ایجاب‌وقبول و قاعده «ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع» مرز قاطع و مشخصی وجود دارد و نباید این دو را خلط نمود. مطابقت ایجاب‌وقبول یا عدم مطابقت آن دو امری قاطع و منجر است؛ به این معنا، که آیا مطابقت وجود دارد یا خیر، ملاک تشخیص این مطابقت هم ملاک عرفی است؛ اما در صورت تطابق ایجاب‌وقبول با ملاک عرفی، نوبت به عیب اراده و ما وقع لم یقصد و ما قصد لم یقع می‌رسد. در

این صورت یا اشتباهی رخ داده یا نه؛ اگر اشتباه رخ داده یا در اوصاف فرعی عقد نکاح است؛ بدین معنا که اشتباه در وصفی روی دهد که نه صریحاً وارد قلمرو تراضی شده باشد و نه به صورت ضمنی، چنان که یکی از همسرها نزد خود تصور کند، که همسر دیگر دارای فلان مقام اجتماعی یا فرزند فلان شخص است، بدون این که شخصی در این خصوص میان طرفین مطرح گردد. این اشتباه به دلیل فرعی بودن و خارج از قلمرو تراضی در وضعیت عقد نکاح بی اثر است و در این حالت اشتباه موجبی برای اعمال خیار و بطلان عقد نیست؛ اما در حالت دوم، که اشتباه در اوصاف اساسی طرفین است و داخل قلمرو تراضی نیز آمده است، این اشتباه موجب خیار تخلف از شرط صفت است. حالت دیگری نیز وجود دارد، که اشتباه در هویت جسمی شخص رخ می دهد، که عقد باطل است و این بطلان به سبب عدم تطابق ایجاب و قبول نیست؛ بل که در اثر عیب اراده و عدم تبعیت واقع از قصد است؛ بنابراین به نظر می رسد مبنای عدم مطابقت ایجاب و قبول مبنایی مستقل برای بطلان است و نباید آن را با عیب اراده، که یکی از مبانی اشتباه است خلط کرد و آن را در عرض مبنای «ماوقع لم یقصد و ما مقصد لم یقع» قرارداد. در اشتباهات موجب بطلان عقد نکاح، اشتباه باعث می شود که آنچه واقع شده است، با قصد یکی یا هر دو طرف عقد نکاح مطابقت نکند و این عدم مطابقت هم به نحوی است که قصد متعاقدين را از میان می برد. اشتباه در موضوع عقد نکاح می تواند در هویت فیزیکی آن رخ دهد و می تواند در هویت اجتماعی آن رخ دهد (پتکی، ۱۳۹۵: ۳۹). هویت اجتماعی که به هویت فرعی هم از آن یاد می شود بحث های زیادی را به دنبال دارد.

۲-۴-۲. آثار اشتباه در هویت جسمی

اشتباه در هویت جسمی هنگامی صدق می کند که شخصی به جای دیگری گرفته شده باشد؛ مثلاً آقای می خواهد با دختری به نام پروین ازدواج نماید، ولی اشتبهاً قرارداد ازدواج را با پروانه منعقد می کند. در جامعه افغانستان گاهی در عمل اتفاق می افتد که دختری را به مردی نشان می دهند که با معیارهای ذهنی مرد سازگار است؛ ولی در زمان عقد ازدواج و امضای سند آن، اسم دختر دیگری ذکر می شود و ازدواج با او منعقد می گردد. این قرارداد از لحاظ این که آنچه در خارج واقع شده منطبق با اراده حقیقی طرف قرارداد نیست و وانگهی این اشتباه در حقیقت توافق اراده را که اساس عقد است از میان می برد، باطل است. نکاح یک قرارداد شخصی بوده و شخصیت هر یک از طرفین برای طرف دیگر اهمیت اساسی دارد و هر کس با دیگری به لحاظ شخصیت ویژه او ازدواج می کند. پس اگر معلوم شود کسی که عقد نکاح را قبول کرد و سند آن را امضا نمود غیر از شخص مورد نظر بوده، نمی توان نکاح را صحیح تلقی نمود (فلاح، ۱۳۹۹: ۵۷). این جا در واقع اشتباه در هویت جسمی شخص روی داده است؛ زیرا مرد می خواسته با دختری ازدواج کند، ولی قرارداد ازدواج را با دیگری بسته است.

این گونه اشتباه باید موجب بطلان عقد باشد؛ زیرا، نخست این مورد مصداق بارز تخلف عقد از قصد است، آن چه در خارج واقع شده منطبق با اراده حقیقی طرف عقد نکاح نیست. دوم این که این اشتباه در حقیقت توافق اراده متعاملان را که اساس عقد است از میان می برد؛ احمد می خواهد با فرزانه ازدواج نماید، درحالی که فرزانه ازدواج با شخصی غیر از احمد را منظور دارد. سوم این که ایجاب کننده اثر عقد را به وجود اقتضائی در ظرف اعتبار به وجود می آورد و قبول کننده با قبول خود این موجود اقتضائی را به مرحله وجود نهایی می رساند؛ البته هر کسی نمی تواند این موجود اقتضائی را به مرحله وجود برساند؛ بل که فقط کسی که ایجاب به نفع او شده است می تواند از راه اعلام قبول این کار را انجام دهد (صفایی، ۱۳۴۹: ۱۰۰-۱۰۱). بنابر موارد فوق، اشتباه در هویت جسمی موجب بطلان عقد ازدواج می گردد. همچنین طرفین قرارداد نکاح موضوع عقد نکاح است در صورت اشتباه در موضوع عقد بر مبنای بند اول ماده ۵۶۲ قانون مدنی عقد ازدواج باطل است.

۲-۴-۳. آثار اشتباه در هویت مدنی

نوع دیگر اشتباه در طرف عقد نکاح، اشتباه در وضعیت مدنی شخص است؛ مثلاً شخصی با سرقت اسناد سجلی فرد مشهور و معتبر، خود را به جای او معرفی می کند و با این علت زنی حاضر به ازدواج با وی می گردد. در این مورد نیز عقد نکاح باطل است، زیرا هر چند زن با همان کسی که دیده ازدواج نموده، اما هویت این شخص با هویت شخصی که شخصیت او علت عمده عقد بوده و زن بدان سبب با وی حاضر به نکاح شده یکی نیست و این اشتباه، عقد را باطل می نماید. در واقع در بعضی مواقع شخص با جعل هویتی، خود را شخص مشهور و هنرمندی جلوه می دهد یا خود را صاحب قدرت و ثروت فراوان معرفی می کند و طرف وی بدون این که آگاه باشد که این شخص همان شخص مورد نظر نیست با وی رابطه زوجیت برقرار می نماید. همین آثار سهم گین باعث می شود که در تفسیر قوانین و اصولی که در حالت عادی بطلان نکاح را نتیجه می دهد به صورت مضیق عمل نمود و تا جای که امکان دارد نتیجه فساد نکاح را نپذیرفت و با باری اصول و قواعد دیگر رفع زیان از متضرر نمود. پس در این صورت نکاح به علت اشتباه در شخص طرف باطل است؛ زیرا پیش نهاد ازدواج را کسی پذیرفته که طرف خطاب پیش نهادکننده نبوده است. به همین جهت، باید این اشتباه را از عیوب اراده به شمار آورد؛ زیرا منطبق نیست طرف عقد با کسی که مقصود است. هویت مدنی ممکن است مورد تردید واقع شود؛ زیرا از نظر مادی کسی را که شخص دیده و همسری با او را قصد کرده همان است که طرف عقد واقع شده است. برای رفع این ایراد می توان گفت که در علم حقوق شخصیت حقوقی شخص، یعنی مجموعه روابط اجتماعی که او را به دیگران مربوط می سازد، مورد گفت و گو است و نام وسیله ممتاز ساختن این شخص از سایر افراد است (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۳). بنابراین اشتباه

در هویت مدنی نیز نوع اشتباه در شخص است و موجب بطلان عقد نکاح می‌گردد. از آن‌جا که هویت مدنی نیز در عقد نکاح به نحوی موضوع آن قرار می‌گیرد، بر اساس ماده ۵۶۲ اشتباه در موضوع موجب بطلان است.

۲-۵. آثار اشتباهات موجب حق فسخ نکاح

۲-۵-۱. آثار اشتباه در اوصاف اساسی طرفین عقد نکاح

منظور از وصف اساسی وصفی است که در نظر طرفین یا عُرف اساسی بوده و همان وصف، طرفین را به انجام عقد واداشته است. مثلاً خانمی نسبت به علاقه‌یی که در تجارت دارد و می‌خواهد با یک شخص تاجر ازدواج نماید. شخصی به‌عنوان تاجر با آن خانم ازدواج می‌کند؛ بعداً معلوم می‌گردد که تاجر نیست. در این صورت اشتباه در وصف، اساسی پنداشته می‌شود. ماده ۵۶۵ قانون مدنی در این مورد بیان می‌دارد: «هرگاه غلطی در شخص یا در وصفی از اوصاف عقدکننده واقع شده باشد، به نحوی که شخصیت یا وصف عقدکننده سبب عمده انعقاد عقد بوده باشد، چنین غلطی اساسی پنداشته می‌شود». از لابه‌لای این مواد قانونی واضح می‌گردد که اشتباه در شخص فقط در موردی که شخصیت طرف علت عمده عقد باشد، در صحت قرارداد مؤثر است. اگر شخصیت طرف معامله عامل اصلی عقد نباشد، در این مورد اشتباه در شخصیت به صحت قرارداد لطمه‌یی وارد نمی‌کند. براساس این ماده، اشتباه در شخص یا در صفت طرف قرارداد وقتی اساسی است که سبب اصلی انعقاد قرارداد باشد؛ به بیان دیگر، اگر اشتباه در شخص یا در وصف طرف قرارداد رخ نمی‌داد، شخص هیچ‌وقت حاضر به بستن قرارداد نمی‌شد (رسولی، ۱۳۹۸: ۱۰۱). اشتباه در اوصاف اساسی قرارداد، مثلاً خانمی شرط اساسی ازدواجش پزشک‌بودن (دکتور) هم‌سر آینده‌اش است با مردی به فکر این که پزشک است ازدواج می‌کند؛ بعداً کشف می‌گردد که پزشک نیست و یک شخص عادی است، در این موارد اشتباه در اوصاف، اساسی پنداشته می‌شود و برای اشتباه‌کننده حق فسخ ایجاد می‌گردد. چنان‌که ماده ۵۶۳ قانون مدنی تصریح نموده‌است «شخصی که در غلطی اساسی واقع گردیده، به‌شرطی می‌تواند فسخ عقد را مطالبه نماید، که طرف مقابل وی نیز در عین غلطی واقع شده یا از غلطی واقف بوده یا این که به سهولت می‌توانست به آن واقف گردد»؛ بنابراین، اشتباه در اوصاف اساسی را ماده مذکور زمانی موجب فسخ نکاح می‌داند که طرف قرارداد هم در حالت اشتباه بوده یا از اشتباه آگاهی داشته باشد، یا می‌توانسته به راحتی آگاه شود؛ البته اشتباه در وصف زمانی موجب فسخ است که وصف مقصود صریحاً یا ضمناً وارد قلمرو عقد شده باشد؛ یعنی حق فسخ در صورتی برای اشتباه‌کننده ایجاد می‌شود که یا صفت مورد نظر در عقد تصریح گردد، یا برحسب عُرف یا دلالت اوضاع و احوال بر آن تبانی کرده باشند (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۳). اگر صفت خاصی در عقد نکاح

صراحتاً بیان نشود؛ ولی از قراین و اوضاع و احوال عقد مُبْتَنی بر عُرف مسلم متداول محل برداشت شود که صفت خاصی منظور طرفین بوده و به صورت شرطی معهود مستتر در قلمرو عقد قرار دارد (جعفرزاده، ۱۳۹۰: ۱۹۱). در برخی موارد، با این که طرفین نامی از وصف خاصی نمی‌برند، عادات و رسوم اجتماعی چنان است که هرکس ازدواج می‌کند، به ظاهر بر مبنای وجود آن وصف عرفی است. در این موارد سکوت طرفین به دلیل اعتماد به ظاهر دیگری است و فرض بر این است که این اوصاف مورد توافق طرفین است (هدایت‌نیا، ۱۴۰۰: ۱۱۱)؛ بنابراین، اوصاف اساسی در عقد نکاح به صورت صریح در قلمرو عقد قرار گرفته باشد یا بر حسب عُرف ثابت شود، در هر دو صورت برای مشتبه حق فسخ ایجاد می‌کند و می‌تواند نکاح را فسخ نماید؛ البته در زمینه فسخ عقد اشتباه‌کننده باید حسن نیت را در نظر داشته باشد. چنان که قانون‌گذار در ماده ۵۶۸ قانون مدنی بیان نموده است: «شخصی که در غلطی واقع گردیده، نمی‌تواند به آن‌طور تمسک نماید که معارض آن چه حسن نیت مقتضی آن است باشد. اگر طرف مقابل برای تنفیذ این عقد اظهار آماده‌گی نماید، با ابرام عقد ملزم پنداشته می‌شود». از لابه‌لای ماده فوق چنین برمی‌آید که اگر طرف قرارداد برای جبران اشتباهات آماده‌گی نشان دهد و اشتباهات را رفع نماید، در صورتی که قابل رفع باشد و اشتباه‌کننده به هدفی که دارد برسد، براساس ماده فوق اشتباه‌کننده نمی‌تواند عقد را فسخ نماید. باید حسن نیت را در نظر داشته باشد (خالقی‌یار، ۱۳۹۱: ۱۸۳).

۲-۵-۲. آثار اشتباه ناشی از تدلیس در عقد نکاح

تدلیس عبارت است از این که شخص با علم و آگاهی از عیبی که خارج از خلقت اصل است، در مورد آن سکوت کند و چیزی نگوید یا عملیاتی که موجب فریب طرف عقد گردد. در این مورد حقیقت امر، پوشانده می‌شود تا غیر از آن چه هست را بنمایاند. برای تحقق تدلیس، یکی از زوجین باید به عمد طرف دیگر را بفریبد؛ یعنی با پوشاندن معایبی که دارد یا نمایاندن صفتی که در او نیست دیگری را مغرور و راضی به نکاح نماید. چنان که ماده ۵۷۰ قانون مدنی بیان می‌دارد: «فریب عبارت از به‌کاربردن وسایل حيله‌آمیز قولی یا فعلی است که طرف مقابل عقد را به راضی شدن انعقاد عقد بکشاند، به نحوی که این وسایل اگر به کار برده نمی‌شد، رضایت وی در عقد به میان نمی‌آمد». وسایل حيله‌آمیز که در این زمینه به کار می‌رود می‌تواند قولی یا فعلی باشد و هم‌چنین می‌تواند به صورت منفی کتمان حقیقت باشد؛ چنان که ماده ۵۷۳ در این زمینه تصریح می‌دارد: «فریب سلبی به محض کتمان حقیقت به وجود می‌آید. این فریب تدلیس پنداشته می‌شود». یا به صورت مثبت است؛ یعنی ادعای اوصافی که فاقد آن است. تدلیس زمانی تحقق می‌یابد که دو عنصر در آن وجود داشته باشد. عنصر مادی و معنوی، عنصر مادی: باید عملیاتی انجام شود؛ یعنی عیبی را بپوشاند یا

وجود صفتی را مورد نظر طرف دیگری عقد است در دیگری وانمود نماید. عنصر معنوی: رفتار و عملی که انجام می‌گردد عمدی باشد و تدلیس‌کننده از این کار قصد فریب‌کاری داشته باشد (دیانی، ۱۳۹۵: ۲۲۹). تدلیس آن‌که با اعمال متقلبانه، نقص یا عیبی را که در یکی از زوجین است پنهان دارند یا او را دارای صفات کمالی معرفی کنند، که فاقد آن است؛ چنان‌که مرد خود را برخلاف واقع دارای ثروت و مقام معرفی کند یا با ارائه گواهی‌نامهٔ مجعول خود را لیسانسه یا دکتر قلم‌داد نماید و از این راه طرف دیگر را وادار به قبول نکاح کند، یا زن برخلاف حقیقت، خود را دختر شخصی معروف یا دارای هنر جلوه دهد یا خود را باکره معرفی نماید و بدین طریق موافقت مرد را در ازدواج جلب کند و بعد از عقد معلوم گردد که فاقد وصف موصوف بود، یا عیبی داشته که با عملیات فریبنده خود آن را مخفی کرده است، در این‌گونه موارد اشتباه‌کننده ناشی از تدلیس حق فسخ دارد (کیانی و بامری، ۱۳۹۳: ۵). تدلیس زمان موجب فسخ است که دارای شرایط زیر باشد: نخست موجب فریب طرف عقد گردد. دوم این‌که متقلبانه‌بودن ابزاری که تدلیس‌کننده از آن‌ها برای فریب دیگری استفاده می‌کند. تدلیس‌کننده به‌خاطر این‌که بتواند به‌هدف خود نائل گردد، باید با توسل به وسایل، طرف عقد را بفریبد. مادهٔ ۵۷۱ قانون مدنی فسخ اشتباه ناشی از تدلیس را بیان می‌کند، که «هرگاه به سبب فریب یک‌طرف عقد، غبن فاحش متوجه طرف مقابل گردد، فریب‌خورده می‌تواند فسخ عقد را مطالبه نماید». همچنین قانون‌گذار در مادهٔ ۵۷۴ قانون فوق در زمینهٔ اشتباه توسط شخص ثالث بیان می‌کند: «در صورت وقوع فریب از طرف شخص ثالث در عقد، فریب‌خورده وقتی می‌تواند فسخ آن را مطالبه نماید، که آگاهی طرف مقابل را به فریب شخص ثالث هنگام عقد یا قادر بودن او را به کسب چنین آگاهی، ثابت نماید». اگر تدلیس از سوی شخص ثالث باشد، زمانی اشتباه‌کننده حق فسخ دارد که آگاهی طرف مقابل را در زمان عقد از تدلیس یا سهولت آگاهی آن را ثابت نماید. در مادهٔ ۵۷۵ قانون‌گذار نیز غبن فاحش را موجب فسخ عقد می‌داند؛ بنابراین، تدلیس از سوی طرفین عقد باشد یا شخص ثالث موجب فسخ نکاح است.

۲-۶. آثار اشتباهات بی‌اثر در عقد نکاح

براساس مادهٔ ۴۹۷ قانون مدنی که بیان می‌دارد: «عقد عبارت از توافق دو اراده است به ایجاد یا تعدیل یا نقل یا ازالهٔ حق در حدود قانون»، و رعایت این اصل حاکمیت اراده در اعمال حقوقی و لزوم ثبات و استحکام قراردادهای اجازه نمی‌دهد که قرارداد تحت تأثیر هرگونه وضعیت نامساعد برای طرفین بی‌اعتبار پنداشته شود؛ بنابراین، در موارد ذیل اشتباهات که در عقد نکاح مؤثر نیست مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۶-۱. آثار اشتباه در اوصاف غیراساسی

اشتباه در اوصاف فرعی، اشتباه در اوصافی است، که مبنای عقد نکاح قرار نگیرد و در قلمرو عقد نیز به صورت صریح یا ضمنی ذکر نگردد. مثلاً خانمی به تصور این که شوهر آینده‌اش ثروتمند است، با آن ازدواج می‌کند، بدون این که در قلمرو عقد نکاح ذکر شده باشد، بعداً معلوم می‌شود که فاقد وصف است (رسولی، ۱۳۸۶: ۲۸). منظور از وصف فرعی، آن است که وصف یادشده در رضایت طرف دیگر نقش تعیین‌کننده نداشته باشد؛ برای مثال، اگر خانم می‌دانست مرد ثروتمند نیست، بازهم تأثیری در عقد ازدواج نداشت (شفایی، ۱۳۸۷: ۱۸۱، برداشت مخالف). لذا نباید اشتباهات شخصی هر یک از طرفین زمینه لطمه به صحت عقد نکاح را فراهم سازد (فلاح، ۱۳۹۹: ۵۸). از معنای مخالف بند دوم ماده ۵۶۲ و ماده ۵۶۵ قانون مدنی چنین برداشت می‌شود که اشتباه در اوصاف تبعی، در صورتی که وصفی طرف عقد به طور صریح یا ضمنی وارد قلمرو عقد نشده باشد و سبب و علت عمده عقد نیز نباشد تأثیری بر صحت عقد ندارد؛ بنابراین، اشتباه در اوصافی غیراساسی مشروط به این که وارد قلمرو ترازی طرفین نشده باشد، تأثیری در عقد نکاح ندارد.

۲-۶-۲. آثار اشتباه در جهت و انگیزه عقد نکاح

جهت، عبارت است از هدف نهایی از انجام قرارداد، که سبب اصلی انعقاد عقد است؛ چنان که در ماده ۵۹۱ قانون مدنی بیان شده است: «سبب عبارت از مقصد اصلی این است، که عقد وسیله مشروع رسیدن به آن قرار گرفته باشد». این سبب مستقیماً مورد توجه طرفین قرارداد می‌باشد؛ زیرا جهت در همه عقود که از یک نوع هستند، یکسان است. انگیزه و جهت اگرچه هر دو از اسباب انعقاد معاملات هستند و موجب تحریک اشخاص در زمینه انعقاد قرارداد می‌گردد، لیکن باهم تفاوت‌های زیادی دارند. انگیزه به لحاظ تعداد، بسیار نامحدود است و جهت محدود به نوع عقود مختلف است. انگیزه چون شخصی است، علی‌الاصول وارد قلمرو ترازی نمی‌شود و لیکن جهت چون نوعی است در هر حال به نحوی وارد ترازی طرفین می‌گردد. انگیزه سبب مستقیم تعهد است و لیکن جهت علت و سبب غیرمستقیم عقد است؛ هم‌چنین در زمینه مشروع بودن انگیزه و جهت می‌توان گفت: انگیزه می‌تواند مشروع یا نامشروع باشد، البته زمان موجب بطلان می‌گردد، که مشروع بودن آن وارد قلمرو ترازی باشد؛ اما جهت باید همیشه مشروع باشد، خصوصاً در عقد نکاح که بیش از سایر عقود جنبه اخلاقی دارد؛ چندان که می‌توان گفت: اگر زن و مرد به واقع زنده‌گی مشترک داشته باشند، جهت آن همیشه مشروع است و مواردی که غرض ایشان رسیدن به هدف نامشروعی است، طرفین اراده نکاح واقعی نداشته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ۹۴). به‌هرحال، اشتباه در جهت و انگیزه تأثیری بر صحت

عقد نکاح ندارد؛ یعنی اشتباه یکی از طرفین عقد نکاح در انگیزه و جهت ازدواج با دیگری، در صورتی که نامشروع نباشد مؤثر نیست.

۳. مناقشه

اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح تصور خطا و نادرستی است، که یکی از طرفین عقد نکاح نسبت به هویت جسمی، مدنی و اوصاف طرف دیگر دارد. اشتباهات مرتبط با شناخت شخصیت طرفین می‌تواند به دو صورت باشد: شناخت اشتباهی از هویت جسمی و مدنی یا اشتباه در اوصاف طرفین. در صورتی که اشتباه در شناخت هویت جسمی و مدنی وارد شود، که اساس عقد را تشکیل می‌دهد، می‌تواند منجر به بطلان عقد نکاح گردد و اشتباه در اوصاف اساسی موجب ایجاد فسخ؛ اما اشتباهات در اوصاف فرعی باشد یا در جهت و انگیزه عقد، تأثیری در عقد نکاح ندارد و معتبر بودن عقد نکاح حفظ می‌شود.

در نقد و بررسی باید گفت باتوجه به اهمیت و جای‌گاه حیاتی عقد نکاح، قانون‌گذار مؤظف است که معیار واضحی برای تشخیص اشتباهات مشخص نماید؛ بنابراین، قانون‌گذار باید معیارهای دقیقی را برای تشخیص این‌گونه اشتباهات در عقد نکاح تعیین کند و تأثیر عرف و رسوم را به‌طور واضح مشخص نماید. این تأثیرات عرفی باید با اصول و قواعد حقوقی منطبق باشند و منجر به تضعیف اصول حقوقی نشوند؛ هم‌چنین گفتیم اشتباه در هویت جسمی و مدنی موجب بطلان می‌گردد. شاید هویت جسمی برای همه واضح باشد؛ ولی هویت مدنی به‌طور واضح مشخص نیست و اشتباه در اوصاف اساسی که منجر به ایجاد فسخ مشتبه می‌شود، کدام اوصاف اساسی و کدام اوصاف غیر اساسی است. اگر معیار تشخیص عرف باشد در صورتی که عرف طرفین عقد متفاوت باشد چه خواهد شد یا یک وصف در عرف یک طرف اساسی در عقد نکاح و در عرف طرف دیگر عقد فرعی باشد، اگر این معیارها واضح بیان می‌شد، برای فهم موضوع و جلوگیری اختلاف به‌تر خواهد بود.

۴. نتیجه‌گیری

نکاح توافقی است میان مرد و زن، که به موجب آن وضعیت ویژه‌ی بین زن و مرد ایجاد و رابطه زناشویی برقرار می‌گردد. اشتباه یکی از عیوب اراده در عقود شناخته شده است، که به معنای تصور خلاف از واقعیت می‌باشد. اشتباه در شخصیت طرفین عقد نکاح، یعنی تصور غلط و نادرستی که یکی از طرفین عقد نکاح نسبت به هویت جسمی، مدنی و اوصاف طرف دیگر دارد. اشتباه در شخصیت طرف عقد نکاح از دو حالت خارج نیست؛ یا اشتباه مؤثر بر عقد نیست یا جدی و مؤثر است که بر صحت عقد لطمه وارد می‌کند. در صورت دوم یا اشتباه اساسی و مهم است که موجب بطلان عقد

می‌گردد یا خفیف است که برای مشتبه ایجاد حق فسخ می‌نماید. اشتباه در هویت جسمی؛ یعنی شخص به جای شخص دیگری گرفته شود، عقد باطل است؛ زیرا آنچه که در خارج واقع شده منطبق با اراده حقیقی طرف قرارداد نیست؛ این اشتباه در حقیقت توافق اراده را که اساس عقد است از بین می‌برد و موجب بطلان عقد نکاح می‌گردد یا بنابر نظر برخی حقوق دانان طرفین عقد نکاح موضوع آن محسوب می‌گردد، که اشتباه در موضوع موجب بطلان عقد است. در بند اول ماده ۵۶۲ قانونی مدنی نیز این حکم تصریح شده است. اشتباه در هویت مدنی نیز بر صحت عقد لطمه وارد می‌کند و موجب بطلان عقد نکاح می‌شود؛ زیرا شخص به شکل تدلیس‌گونه، دیگری را به اشتباه می‌اندازد و محور عقد را مختل می‌کند. عقد نکاح از جمله عقود است که قرارداد آن به لحاظ شخصیت طرف منعقد می‌گردد. منظور از شخصیت، تنها شخصیت جسمی نیست؛ بل که شخصیت وصفی آن را نیز در بر می‌گیرد. اوصاف طرف قرارداد مجموع ویژه‌گی‌هایی است که شخص را از دیگران متمایز می‌نماید. اوصاف طرف عقد به دو گونه است: اوصاف اساسی که قید اراده بوده و تشکیل‌دهنده محور عقد است، اشتباه در این زمینه برای اشتباه‌کننده حق فسخ ایجاد می‌کند، که این مورد در ماده ۵۶۵ نیز تبیین گردیده است؛ اما اشتباه در اوصاف تبعی که وارد در قلمرو و تراضی عقد به صورت صریح یا ضمنی نشده باشد و همچنین اشتباه در جهت و انگیزه تأثیری بر صحت عقد نکاح ندارد؛ بنابراین، اشتباه در امور اساسی که بنیاد عقد نکاح را تشکیل می‌دهد، موجب بطلان یا فسخ می‌گردد؛ خواه اشتباه ناشی از خود شخص باشد یا بر مبنای تدلیس؛ اما اشتباه در انگیزه و جهت عقد نکاح و همچنین اوصاف فرعی که وارد در قلمرو تراضی نشده باشد اخلاقی بر عقد وارد نمی‌کند.

ORCID

Hekmatullah karimi



<https://orcid.org/0009-0001-3850-8251>

سرچشمه‌ها

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، محمد. (۱۳۸۲). ازدواج بایگانگان در فقه اسلامی و سایر شرایع الهی. ج ۲. قم: انتشارات مؤسسه بوستان کتاب قم.
۳. بشله، ماری نوئل؛ پیام شهرجردی، محمدعثمان؛ ژوبل، عبدالصیر؛ فائز، برات علی متین و ظل الرحمن نجیب. (۱۳۹۲). دوره حقوق وجایب. ج ۳. کابل: انتشارات سعید.
۴. الجزیری، عبدالرحمن. (۱۹۶۹م). کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه. ج ۴. مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
۵. جعفرزاده، علی. (۱۳۹۰). دوره حقوق مدنی (حقوق مدنی خانواده نکاح و انحلال آن). ج ۲. تهران: انتشارات جاودانه جنگل.

۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۹۹). **وسیط در ترمینولوژی حقوق**. ج ۵. تهران: انتشارات گنج دانش.
۷. حموی، صبحی. (۲۰۰۰م). **المنجد فی اللغة العربية المعاصرة**. بیروت - لبنان: انتشارات دارالمشرق. الطبعة الأولى.
۸. خالق یار، بشیر احمد. (۱۳۹۱). **قواعد عمومی عقود و قراردادها**. کابل: انتشارات سعید.
۹. خلاف، عبدالوهاب. (۱۳۷۵). **احکام الاحوال الشخصية فی شریعة الاسلامیة**. بیروت: الناشر دار الکتب العلمیة. الطبعة الأولى.
۱۰. دانش، حفیظ الله. (۱۴۰۰). **حقوق و جایب**. ج ۹. کابل: انتشارات سیرت.
۱۱. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت نامه دهخدا**. ج ۲. تهران: انتشارات دانش گاه تهران.
۱۲. دینانی، عبدالرسول. (۱۳۹۵). **حقوق مدنی خانواده**. ج ۳. تهران: نشر میزان.
۱۳. رسولی، عبدالحسین. (۱۳۹۸). **قواعد عمومی قراردادها** (مطالعه تطبیقی حقوق افغانستان با کشورهای عربی). ج ۳. کابل: انتشارات فرهنگ.
۱۴. رسولی، محمد. (۱۳۸۶). **حقوق خانواده**. تهران: انتشارات آوای نور.
۱۵. روشن، محمد. (۱۳۹۳). **حقوق خانواده**. تهران: انتشارات جنگل جاودانه.
۱۶. سیاح، عبدالله. (۱۳۸۲). **فرهنگ بزرگ جامع نوبین**. ترجمه المنجد. ج ۵. ج ۲. تهران: انتشارات اسلام.
۱۷. شقایب، عبدالله. (۱۳۸۷). **احوال شخصیة شیعیان افغانستان**. قم: انتشارات جامعه المصطفی العالمیة.
۱۸. شهیدی، مهدی. (۱۴۰۱). **تشکیل قراردادها و تعهدات**. ج ۱۶. تهران: انتشارات مجد.
۱۹. صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله. (۱۳۹۸). **مختصر حقوق خانواده**. ج ۵۳. تهران: نشر میزان.
۲۰. صفایی، سید حسین. (۱۳۹۹). **قواعد عمومی قراردادها**. ج ۳۲. تهران: نشر میزان.
۲۱. عبدالله، نظام الدین. (۱۳۹۵). **شرح قانون مدنی افغانستان حقوق و جایب** (تصرفات و حوادث حقوقی، انواع، تنفیذ، انتهاء و اثبات و جیه). ج ۵. کابل: انتشارات سعید.
۲۲. عبدالله، نظام الدین. (۱۳۹۷). **شرح قانون مدنی افغانستان: حقوق فامیل**. ج ۶. کابل: انتشارات سعید.
۲۳. عدالت خواه، عبدالقادر. (۱۳۸۷). **حقوق فامیل**. کابل: انتشارات میوند.
۲۴. عمید، حسن. (۱۳۸۰). **فرهنگ فارسی عمید**. ج ۲۰. تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۵. فقیری هروی، عبدالواحد. (۱۳۹۴). **توضیح المسائل فقه حنفی** (نکاح، طلاق و معاملات). ج ۲. ج ۲. خراسان رضوی: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام.
۲۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۷). **حقوق خانواده** (نکاح و طلاق رابط زن و شوهر). ج ۵. ج ۱. تهران: انتشارات گنج دانش.

۲۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۰). **اعمال حقوق** (قرارداد - ایقاع). چ عر تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۸. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۷). **بررسی فقهی حقوق خانواده** (نکاح و انحلال آن). چ ۱۹. تهران: انتشارات علوم اسلامی.
۲۹. محمدی، عصمت‌الله. (۱۴۰۰). **حقوق و جایب ۱**. هرات - افغانستان: انتشارات قدس مبارک.
۳۰. المرغینانی، علی بن ابی‌بکر بن عبدالجلیل الفرغانی. (۵۹۳). **الهدایه فی شرح بدایه المبتدی**. ج ۱. بیروت - لبنان. الناشر دار احیاء التراث العربی.
۳۱. معلوف، لوئیس. (۱۳۹۳). **المنجد**. تهران: انتشارات کتاب عقیق.
۳۲. معین، محمد. (۱۳۷۱). **فرهنگ فارسی**. چ ۸. ج ۱. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۳. هدایت‌نیا، فرج‌الله. (۱۴۰۰). **حقوق خانواده در جمهوری اسلامی ایران**. چ ۲. قم: انتشارات پژوهش‌گاه حوزه و دانش‌گاه.
۳۴. پتکی، عبدالحمید. (۱۳۹۵). «**بررسی فقهی حقوقی آثار اجبار و اکراه در عقد نکاح و مقایسه آن با آثار اشتباه**». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانش‌کده حقوق دانش‌گاه گیلان.
۳۵. صفایی، سید حسین. (۱۳۴۹). «**اشتباه در شخص طرف قرارداد در حقوق ایران و فرانسه**». مجله دانش‌کده حقوق و علوم سیاسی دانش‌گاه تهران. ۴. https://journals.ut.ac.ir/article_25553.html
۳۶. فلاح، زکیه. (۱۳۹۹). «**اشتباه در شخصیت در عقد نکاح و ضمانت اجرای آن**». ایران: دوفصل‌نامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی. (۲). <https://civilica.com/doc/1273280>
۳۷. کیانی، بی‌بی‌گل؛ بامری، اسحاق. (۱۳۹۳). «**تدلیس در نکاح از منظر فقه و حقوق ایران**». ایران: مجموعه مقالات اولین کنفرانس کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. <https://civilica.com/doc/301106>
۳۸. مرادوند، کریم. (۱۴۰۰). «**اثر اشتباه و اکراه در قراردادها**». ایران: فصل‌نامه علمی حقوقی قانون‌یار. (۱۹)۵. <https://civilica.com/doc/1565897>
- . **قانون مدنی افغانستان**. مصوب ۱۳۵۵ هجری شمسی.

References

1. The Holy Quran
2. Abdullah, Nizamuddin, (2016), description of Afghan civil law, rights and obligations 1 (seizures and legal incidents, types, enforcement, termination and proof and pocket), Kabul, Saeed Publications, 5th edition, p103. (in Persian)
3. Abdullah, Nizamuddin, (2018), Commentary on the Civil Code of Afghanistan: Family Law, Kabul, Saeed Publications, 6th edition, p.36. (in Persian)
4. Adalat Khah, Abdul Qadir, (2008), Family Law, Kabul, Mayvand Publications, 1st edition. P.49. (in Persian)

5. Al-Jaziri, Abd al-Rahman, (1969), Kitab al-Fiqh Ali-ul-Mahab al-Arba, Vol. 4, Egypt, al-Tajariyeh Al-Kubari Library.p.1 (in Arabic)
6. Al-Kasani, Aladdin Abi Bakr bin Masoud, (2003), Bada'i' al-Sana'i fi Tartib al-Shara'i', vol.3, Beirut - Lebanon, publisher Dar al-Kutub al-Ilmiyya, second edition, p309. (in Arabic)
7. Al-Marghinani, Ali Abi Bakr bin Abdul-Jalil Al-Farghani, (Beta), Al-Hidaya fi Sharh Bidayyat Al-Mubtadi, vol.1, Beirut - Lebanon, published by Dar Ihya' al-Tarath al-Arabi, p185. (in Arabic)
8. Al-Zahili, Wabwah, (1985), Fiqh al-Islami and Adlata, Vol.9, Quetta, Rashidiya School Publications, p.6513. (in Arabic)
9. Beshleh, Marie Noel, Payam Shahrjardi, Mohammad Osman Juhad, Abdul Basir Faez, Barat Ali Mateen and Zalur Rahman Najib, (2013), Law and Justice Course, Kabul, Saeed Publications, third edition, p32. (in Persian)
10. Civil Code of Afghanistan approved in 1976. (in Persian)
11. Danesh, Hafizullah, (2021), Rights and Jaib, Kabul, Sirat Publications, 9th edition, pp.42-44. (in Persian)
12. Dehkhoda, Ali Akbar, (1998), Dehkhoda Dictionary, vol.2, Tehran, Tehran University Press, second edition of the new period, p2601. (in Persian)
13. Diyani, Abdul Rasul, (2016), Civil Rights of the Family, Tehran, Mizan Publishing House, 3rd edition, p.229 (in Persian)
14. Ebrahimi, Mohammad, (2003), Marriage with Foreigners in Islamic Jurisprudence and Other Divine Laws, Qom, Publications of Bostan Kitab Qom Institute, second edition, p15. (in Persian)
15. Faqiri Heravi, Abdul Wahid, (2015), Taqf al-Masail Hanafi Jurisprudence (Marriage, Divorce and Transactions), Vol.2, Razavi Khorasan, Sheikhul-Islam Ahmadjam Publications, 2nd edition, p5. (in Persian)
16. Hamwi, Sobhi, (2000), Al-Munjid in the Contemporary Arabic Language, Beirut - Lebanon, Dar Al-Mashreq Publications, first edition, p450. (in Arabic)
17. Hedayat-Nia, Faraj-Allah, (2021), Family Laws in the Islamic Republic of Iran, Qom, Hozha and University Research Center Publications, 2nd edition, p.111. (in Persian)
18. Ibn Manzur, Jamal al-Din Muhammad bin Makram, (1414 AH), Lisan al-Arab, vol.4, Beirut - Lebanon, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi, third edition, p279. (in Arabic)
19. Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, (2019), Intermediate in Legal Terminology, Tehran, Ganj Danesh Publications, fifth edition, pp. 724-90. (in Persian)
20. Jafarzadeh, Ali, (2011), Civil Rights Course (Civil Rights of the Marriage Family and its Dissolution), Tehran, Javadane Jangal Publishing House, second edition, p.191. (in Persian)
21. Katouzian, Nasser, (2018), Family (marriage and divorce between husband and wife), Vol.1, Tehran, Ganj Danesh Publications, 5th edition, pp.92-93-94. (in Persian)
22. Katouzian, Nasser, (2021) Law enforcement (contract - Iqaa), Tehran, Ganj Danesh Publications, 6th edition, p.93. (in Persian)
23. Khaliqyar, Bashir Ahmad, (2012), General rules of contracts and contracts, Kabul, Saeed Publications, first edition, p.183. (in Persian)
24. Khlaf, Abdul-Wahhab, (1996), Personal Status Rulings in Islamic Law, Beirut, publisher Dar Al-Kutub Al-Ilmiyya, first edition, p15. (in Arabic)

25. Maalouf, Louis, (2014), Al-Munajjid, Tehran, Publications of the Book of Aqiq, first chapter, p836. (in Arabic)
26. Mohaghig Damad, Seyyed Mustafa, (2018), Jurisprudential review of family law (marriage and its dissolution), Tehran, Islamic Sciences Publications, 19th edition, p26. (in Persian)
27. Mohammadi, Ismatullah, (2021), Laws of Wajaib1, Herat-Afghanistan, Quds Mubarak Publishing House, first edition, p94. (in Persian)
28. Moin, Mohammad, (1992), Farhang Farsi, Volume 1, Tehran, Amir Kabir Publications, 8th edition, p287. (in Persian)
29. Omid, Hassan, (2001), Farhang Farsi Omid, Tehran, Amirkabir Publications, 20th edition, pp. 1219-186. (in Persian)
30. Rasouli, Abdul Hossein, (2019), General rules of contracts (a comparative study of Afghan law with Arab countries), Kabul, Farhang Publications, third edition, p.101. (in Persian)
31. Rasouli, Mohammad, (2007), Family Law, Tehran, Avai Noor Publications, first edition, p.28. (in Persian)
32. Roshan, Mohammad, (2014), family law, Tehran, Jangal Javadane Publications, first edition, p26. (in Persian)
33. Safaei, Seyed Hossein, (2020), General Rules of Contracts, Tehran, Mizan Publishing House, 32nd edition, pp. 101-109-111. (in Persian)
34. Safai, Seyyed Hossein and Asadullah Emami, (2019), Family Law Summary, Tehran, Mizan Publishing House, 53rd edition, pp. 36-59-60 (in Persian)
35. Sayah, Abdullah, (2003), Farhang Bozur Jame Navin, translated by Al-Monjad, Tehran, Islam Publications, vol.2, fifth edition, p.3097. (in Arabic)
36. Shafa'i, Abdullah, (2008), the personal status of the Shiites of Afghanistan, Qom, Jamia Al-Mustafi Al-Alamiya Publications, first edition, p.181. (in Persian)
37. Shahidi, Mehdi, (2022), formation of contracts and obligations, Tehran, Majd Publications, 16th edition, p.166. (in Persian)
38. Falah, Zakieh, (2020), Mistakes in character in the marriage contract and the guarantee of its execution, Biquarterly International Judicial Law Research, Volume 1, Issue 2, pp.57-58. (in Persian)
39. Kiani, Bibi Gol and Eshaq Bamri, (2014), Tadalīs in Nikah from the perspective of Iranian jurisprudence and law, publication of the first conference of the International Congress of Religious Culture and Thought, p.5. (in Persian)
40. Muradvand, Karim, (2021), The effect of mistakes and reluctance in contracts, Qonun Yar Legal Scientific Quarterly, 5th volume, 19th issue, p16. (in Persian)
41. Pataki, Abdul Hamid, (2016), jurisprudential investigation of the effects of coercion and reluctance in the marriage contract and its comparison with the effects of mistakes, Master's thesis of the Faculty of Law, University of Gilan, pp. 42-9-22-39. (in Persian)
42. Safaei, Seyyed Hossein, (1349), Mistake in the person of the contracting party in Iranian and French law, Journal of Faculty of Law and Political Science of Tehran University, No.4, p.103. (in Persian)